

تشدید بیماری زهرا جباری در زندان و ملاقات بی نتیجه او با دادستان

پنجشنبه ۱۰ تیر ۱۳۸۹ - ۱ ژوئیه ۲۰۱۰

کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی: زهرا جباری، زندانی سیاسی، که در اردیبهشت ماه گذشته در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به اتهام اقدام علیه امنیت ملی به ۴ سال حبس تعزیری محکوم شده است و بر اثر تشدید روماتیسم، از وضعیت فیزیکی مناسبی برخوردار نیست با دادستان تهران ملاقات کرد.

به گزارش کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی، صبح روز گذشته در دادسرای واقع در زندان اوین، جعفری دولت آبادی، دادستان تهران که در پی وخامت حال زهرا جباری، با این زندانی ملاقات می کرد، در خصوص موافقت با مرخصی استعلاجی او گفت این تصمیم به نظر قاضی مقیسه، ریاست شعبه ۲۸ بستگی دارد. اما این امر با اعتراض شدید زهرا جباری روبرو شد، چرا که ریاست شعبه ۲۸ پیش از این موافقت با مرخصی را بسته به نظر دادستان دانسته بود.

در این دیدار پس از آن که زهرا جباری به حکم صادره برایش اعتراض کرد، دادستان دلیل صدور حکم مذکور را مسائل خانوادگی این زندانی عنوان کرد و گفت "حساسیت بر مسائل خانوادگی" دلیل صدور حکم چهار سال حبس تعزیری است.

زهرا جباری که از بازداشت شدگان روز قدس است، مادر فرزندی چهار ساله است و از روماتیسم حاد رنج می برد. از جمله داروهای مصرفی این زندانی گمنام کورتون می باشد که مصرف آن می بایست تحت نظر و مراقبت مداوم پزشک صورت پذیرد.

مسائل خانوادگی از جمله فعالیت بستگان و یا سابقه محکومیت در دهه شصت در بین اعضای خانواده، یکی از عناوینی است که در طول یک سال گذشته احکام زندان با توجه به آن صادر شده است که برخلاف اصل شخصی بودن جرم است.

۲ سال زندان برای خسرو بوکانی فعال کارگری

چهارشنبه ۹ تیر ۱۳۸۹ - ۳۰ ژوئن ۲۰۱۰

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری: خسرو بوکانی، فعال کارگری و عضو هیات اجرایی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری به دو سال زندان محکوم شد. شعبه اول دادگاه انقلاب ارومیه، حکم دو سال زندان، به اتهامات واهی و همچنین عضویت در کمیته هماهنگی را در روز دوشنبه ۱۳۸۹/۴/۷ به وی ابلاغ کرد. لازم به توضیح است که این حکم تا ۲۰ روز از زمان صدور آن قابل تجدیدنظر در محاکم تجدیدنظر استان میباشد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، احضار و دستگیری کارگران و فعالین کارگری و دیگر فعالین اجتماعی را محکوم کرده و خواهان پایان دادن به این گونه اقدامات ضدکارگری و غیردمکراتیک است. ما از همه تشکل ها و نهادهای کارگری و تمامی انسانهای عدالت طلب می خواهیم که به این فشارها و روش های سرکوب گرانه اعتراض کرده و خواستار آزادی همه کارگران و فعالین کارگری شوند.

تخریب پنجاه منزل از منازل بهاییان در روستای ایول مازندران

یکشنبه ۶ تیر ۱۳۸۹ - ۲۷ ژوئن ۲۰۱۰

رہانا: شهروندان بهایروستای ایول مازنداران، روز اول تیر ماه به بخشداری کیاسر مراجعه کردند و آنان را در جریان گذاشتند ولی این موضوع توسط آن نهاد نفی و غیر قانونی اعلام شد روز بعد از آن، ضمن مراجعه مجدد به بخشداری کیاسر به فرمانداری و استانداری در ساری و دادگاه عمومی کیاسر و پاسگاه نیروی انتظامی تلمادره نیز مراجعه

شد ولی همگی اظهار بی اطلاعی کرده و چنین اقدامی را محکوم و غیر قانونی دانسته و مسبب آن را مجرم قلمداد کردند.

به گزارش خبرنگار رهانا، اما در این میان یک خانواده‌ی بهایی، (محمود پیری) در نزدیکی منزلشان مواجه با ماشین پرایدی می‌شوند که چهار نفر سر نشین داشته و مشاهده می‌کنند که تعدادی از افراد بالای ساختمان آنان مشغول تخریب هستند.

در همین زمان محمود پیری مورد ضرب و شتم از جانب یکی از سرنشینان ماشین شده و مجبور به ترک محل می‌شوند.

خانواده‌ی پیری به همراه یک خانواده‌ی بهایی دیگر (روحانی)، حق ورود به محل حتی حدود آن را از جانب افرادی که مشغول خراب کردن منازل هستند ندارند و مدت ۴۸ ساعت روستا و اطراف آن در قرنطینه است و مرتب در اطراف به گشت زنی مشغول هستند که کسی وارد روستا نشود و راههای ورودی به روستا را نیز مسدود کرده‌اند. طبق اظهار یکی از افراد هم اینک ۴ لودر با تعدادی کامیون مشغول تخریب، تسطیح و خاک برداری از حدود ۵۰ منزل از منازل بهائیان ایول هستند.

محاکمۀ مدیران جامعۀ بهائی ایران ظاهراً به پایان رسیده است

چهارشنبه ۲۶ خرداد ۱۳۸۹ - ۱۶ ژوئن ۲۰۱۰



نیویورک - به نظر می‌رسد محاکمۀ هفت رهبر جامعۀ بهائیان ایران، که بیش از دو سال است در ایران زندانی هستند، پس از سه جلسۀ متمادی در روزهای گذشته، امروز به پایان رسیده است.

این هفت نفر صبح روز شنبه ۲۲ خرداد در شعبۀ ۲۸ دادگاه انقلاب حاضر

و اندکی پس از ظهر به زندان اوین بازگردانده شدند. دادگاه روز بعد و امروز هم به کارش ادامه داد.

بانی دوگال، نمایندگانی ارشد جامعه جهانی بهائی در سازمان ملل گفت: «ما تأیید می‌کنیم که امروز جلسه دادگاه در تهران تشکیل شد. بر اساس شنیده‌های ما به نظر می‌رسد که این دادگاه خاتمه یافته است اما در حال حاضر هیچ اطلاع بیشتری در این زمینه نداریم.»

این هفت زندانی عبارتند از خانم فریبا کمال آبادی، آقای جمال الدین خانجانی، آقای عقیف نعیمی، آقای سعید رضائی، خانم مهوش ثابت، آقای بهروز توکلی و آقای وحید تیزفهم.

آنها پیش از دستگیری به امور اولیه اجتماعی و معنوی جامعه ۳۰۰۰۰۰ نفر بهائیان ایران رسیدگی می‌کردند. خانم ثابت در ۱۴ اسفند ۱۳۸۶ و شش نفر دیگر در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۷ دستگیر شده‌اند.

محاكم این هفت نفر روز ۲۲ دی ۱۳۸۸ پس از ۲۰ ماه که آنها را بدون هیچ اتهامی در زندان نگه داشته بودند آغاز شد. در اولین جلسه دادگاه که در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب ایران برگزار شد بهائیان تمام اتهامات وارده از جمله جاسوسی، فعالیت تبلیغی علیه نظام اسلامی و «افساد فی الارض» را مطلقاً رد کردند.

دومین جلسه دادگاه در ۱۸ بهمن ۱۳۸۸ بیشتر صرف رسیدگی به روند اجرائی دادگاه شد. سومین جلسه دادگاه در روز ۴ اردیبهشت که گفته شده بود غیرعلنی خواهد بود پس از آن که زندانیان -در مشورت با وکلایشان- در اعتراض به حضور افراد غیر مسئول در دادگاه از مشارکت در جریان محاکمه خودداری کردند تعطیل شد.

زندگی‌نامه این هفت نفر را در اینجا بخوانید.

وقف زندگی برای خدمت: نمایه ای از زندگی هفت زندانی بهائی
۲۴ بهمن ۱۳۸۷ (۱۲ فوریه ۲۰۰۹)

ژنو سرویس خبری جامعه جهانی بهائی ۱۲ فوریه ۲۰۰۹ (۲۴ بهمن ۱۳۸۷)

آنچه که ملاحظه می‌فرمائید خلاصه ای است از نمایه زندگی هفت رهبر بهائی که هم اکنون در زندان اوین بسر می‌برند. شش نفر از آنان در تاریخ ۱۴ می ۲۰۰۸ (۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۷) در منزل خود دستگیر شدند. هفتمین نفر، قبل از اعضای دیگر، و در تاریخ ۵ مارس ۲۰۰۸ (۱۵

اسفند ۱۳۸۶) در مشهد دستگیر شد.

نمایندگان زندگی این افراد نشان می‌دهد که هم‌آنها به نحوی گسترده به ایران زمین و به جامعه بهائی خدمت نمودند. در عین حال، همانند بسیاری دیگر از ایرانیان بهائی، آنان نیز کم و بیش، از آغاز جمهوری اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸)، مورد اذیت و آزار قرار گرفتند.

دستگیری این هفت نفر بهائی در این زمان، از این جهت که بعنوان «یاران ایران» (گروه هماهنگ کنندگان امور جامعه بهائی) موقعیت رهبری جامعه بهائی در سطح ملی را بعهده داشتند، خطر ویژه‌ای برای آنان در بر دارد. تمامی نهادهای انتخابی و انتصابی بهائی حدود سی سال پیش، پس از انقلاب اسلامی، از طرف دولت ممنوع اعلام شد. با فقدان شورای رهبری ملی در ایران (بنام محفل روحانی ملی)، گروه «یاران ایران» با اطلاع کامل دولت ایران تشکیل شد و از آن زمان تا بحال بعنوان گروهی غیر رسمی برای هماهنگ کردن امور جامعه بهائیان ایران شروع به کار کرد. دولتهای متعددی که از آن زمان در ایران روی کار آمده‌اند، همگی از وجود «یاران ایران» آگاهی داشته‌اند؛ در حقیقت، طی این سالها، دولت ایران مرتباً با اعضای یاران ایران، و اغلب بطور غیر رسمی، در ارتباط بوده است.

هفت نفری که در بهار امسال دستگیر شدند تمامی اعضای گروه یاران را تشکیل می‌دهند و این یکی از دلائلی است که دستگیری دست جمعی آنان زنگ خطر شدیدی را به صدا در آورده است. هم‌آنها بدون هیچگونه اعلام جرمی بازداشت شده‌اند در حالیکه گزارش سایت نیمه رسمی ایسنا این هفته خبر داد که پرونده این زندانیان به اتهام «جاسوسی برای اسرائیل، توهین به مقدسات، و تبلیغ علیه نظام» به دادگاه انقلاب ارجاع داده شده است.

در نمائندگان زندگی این شهروندان بهائی، به مؤسس علمی آزاد اشاره شده است. بهائیان ایران این مؤسسه را در اواخر دهه ۱۹۸۰ (اواخر دهه ۱۳۶۰)، بعنوان راه چاره‌ای برای ادامگان تحصیلات عالی دانشجویان بهائی که از اوائل انقلاب از حق تحصیل در دانشگاه‌های دولتی و خصوصی محروم شده بودند، تأسیس کردند. بنابراین، بسیاری از اعضای یاران یا خانواده‌های ایشان در این مؤسسه، و در مؤسس وابسته به آن بنام مؤسس عالی معارف بهائی، تحصیل و یا تدریس کرده‌اند.

در بیان خدمات داوطلبانه ای که این افراد به جامعه بهائی تقدیم کردند، اشاره به نهادهائی دیگری نیز از قبیل شوراهای حاکم ملی و محلی بنام محافل روحانی، لجنه و کمیته های مختلف، یا هیئت معاونت، بعمل آمده است که کلاً شامل افرادی هستند که برای الهام بخشیدن و تشویق و ترویج آموزش و یادگیری، انتخاب شدند. دولت ایران شمار زیادی از این نهادها را برای اذیت و سرکوبی بهائیان غیر قانونی اعلام کرد و سپس تعطیل نمود.

اسامی گروه یاران به ترتیب حروف الفباء ذکر میشود.

آقای وحید تیزفهم - در تاریخ ۱۴ می ۲۰۰۸ (۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۷) در منزل خود دستگیر شد

آقای وحید تیزفهم، ۳۵ ساله، عینک ساز و صاحب مغازه عینک سازی در شهر تبریز، تا اوائل سال ۲۰۰۸ (۱۳۸۷) در آن شهر میزیسته و پس از آن به تهران نقل مکان نمود.

ایشان در ۱۶ می ۱۹۷۳ (۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۲) در شهر ارومیه متولد شد و کودکی و جوانی خود را در آنجا گذراند. پس از کسب دیپلم در رشته ریاضی در سن ۱۸ سالگی به تبریز آمد تا در رشته عینک سازی به تحصیلات خود ادامه دهد. وی مدتی بعد در مؤسسه عالی معارف بهائی در رشته جامعه شناسی به تحصیل مشغول شد.

آقای تیزفهم در سن ۲۳ سالگی با خانم فروزنده نیکومنش ازدواج کرد که حاصل آن پسری بنام صمیم است که الان ۹ سال دارد و کلاس چهارم دبستان است.

از آغاز جوانی، آقای تیزفهم در سمتهای مختلفی به جامعه بهائی خدمت کرده است. ایشان مدتی عضو لجنه ملی جوانان بهائی بود. ایشان همچنین معلم کلاسهای کودکان بهائی بود و در سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۵) به عضویت یاران ایران منصوب شد.

آقای بهروز توکلی - در تاریخ ۱۴ می ۲۰۰۸ (۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۷) در منزل خود دستگیر شد

آقای بهروز توکلی، ۵۷ ساله، به شغل مددکار اجتماعی اشتغال داشت که در اوائل دهه ۱۹۸۰ (۱۳۶۰) بعلت اعتقاد به آئین بهائی از کار دولتی خود اخراج شد. پیش از دستگیری اخیر، ایشان بطور متناوب بازداشت شده و مورد اذیت و آزار قرار میگرفت. سه سال پیش، برای

مدت چهار ماه، و بدون هیچ جرمی، در سلول انفرادی بسر برد.

ایشان در سال ۱۹۵۱ (۱۳۳۰) در مشهد متولد شد و در دانشگاه به تحصیل در رشته روانشناسی پرداخت. پس از اتمام دو سال خدمت در ارتش (در رتبه ستوانی)، و تکمیل دوره های آموزشی، و سپس تخصص در سرپرستی از معلولین جسمی و ذهنی، بکار دولتی مشغول شد تا اینکه در اوائل دهه ۱۹۸۰ (سال ۱۹۸۰ یا ۱۹۸۱) (۱۳۶۰ یا ۱۳۶۱) بعلت این که بهائی بود، از کار برکنار شد.

آقای توکلی در سن ۲۳ سالگی با خانم طاهره فخری توسکی ازدواج نمود که از آن صاحب دو پسر بنامهای نعیم و نبیل شد. نعیم، که ۳۱ سال دارد مهندس راه و ساختمان است و اکنون با همسرش در کانادا زندگی میکند. نبیل که ۲۴ سال دارد در مؤسس علمی آزاد به تحصیل در رشته معماری مشغول است.

در اوایل دهه ۱۹۷۰ (۱۳۵۰) آقای توکلی، هنگامیکه هنوز دانشجوی دانشگاه بود، به عضویت در شورای حاکم محلی بهائی در شهر مشهد انتخاب شد و بعد از آن در شورای محلی دیگری در شهر ساری خدمت کرد. این نهادهای مشورتی در اوائل دهه ۱۹۸۰ (۱۳۶۰) بدستور دولت تعطیل شد. ایشان همچنین در چند لجنه جوانان عضویت داشت و در اوائل دهه ۱۹۸۰ به عضویت هیئت معاونت در آمد. ایشان در اواخر دهه ۱۹۸۰ به عضویت گروه یاران منتصب شد.

بعد از آنکه آقای توکلی از شغل دولتی خود محروم شد، برای تکفل خانواده و امرار معاش، مغازه کوچکی نجاری در شهر گنبد کاووس تأسیس کرد و در همان شهر، کلاسهای برای مطالعات بهائی برای جوانان و بزرگسالان برقرار نمود.

ایشان توسط مسئولین امور متناوباً بازداشت میشد. یکی از بدترین نمونه های این دستگیری سه سال پیش بود که طی آن مأمورین وزارت اطلاعات، ایشان و خانم فریبا کمال آبادی را به مدت ۱۰ روز، بدون اطلاع به کسی، در بازداشت نگاه داشتند. پس از آن، آقای توکلی به مدت چهار ماه در زندان بود که در این مدت بطور جدی دچار مشکلات کلیوی و ارتوتیک (orthotic) شد.

خانم مهوش ثابت - در تاریخ ۵ مارس ۲۰۰۸ (۱۵ اسفند ۱۳۸۶) در مشهد دستگیر شد

خانم مهوش ثابت، ۵۵ سال دارند و قبل از اینکه بعلت اعتقاد به

آئین بهائی از کار دولتی خود در بخش تعلیم و تربیت اخراج شوند، معلم و مدیر دبستان بودند. در ۱۵ سال گذشته مدیریت مؤسس علمی آزاد، که راه چاره ای برای تحصیلات عالی جوانان بهائی بشمار می آید، را بعهده گرفتند. ایشان به سمت منشی گروه یاران ایران را نیز خدمت میکردند.

خانم مهوش ثابت در تاریخ ۴ فوریه ۱۹۵۳ (۱۵ بهمن ۱۳۳۱) در اردستان بدنیا آمد و هنگامیکه کلاس پنجم دبستان بود (با خانواده خود) به تهران نقل مکان کرد. در دانشگاه در رشته روانشناسی به تحصیل پرداخت و به دریافت درجه لیسانس نائل آمد.

ایشان شغل خود را با معلمی دبستان آغاز نمود و سپس به سمت مدیریت در چند دبستان به خدمت مشغول شد. در راستای تخصص حرفه ای خویش، با کمیته ملی سوادآموزی ایران همکاری داشت ولی بعد از انقلاب اسلامی، مانند هزاران معلم و آموزگار دیگر بهائی، از کار خود اخراج گردید و سپس از اشتغال به هرگونه کار آموزشی دولتی تحریم شد.

بعد از این ممنوعیتها، خانم ثابت مدیریت مؤسس علمی آزاد را پذیرفت و در آن مؤسسه به تدریس روانشناسی و مدیریت پرداخت.

ایشان در تاریخ ۲۱ می ۱۹۷۳ (۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۲) با آقای سیاوش ثابت ازدواج کرد و صاحب پسری بنام فرود ثابت، ۳۳ ساله، و دختری بنام نگار ثابت، ۲۴ ساله، شد که هر دو در همدان متولد شدند.

درحالیکه هم اعضای یاران در منازل خود در تاریخ ۱۴ می ۲۰۰۸ (۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۷) در تهران دستگیر شدند، خانم ثابت در تاریخ ۵ مارس ۲۰۰۸ (۱۵ اسفند ۱۳۸۶) در مشهد دستگیر شد. هرچند که ایشان در تهران زندگی میکند، بنا بدخواست وزارت اطلاعات مشهد به آن شهر احضار شد. این احضار ظاهراً برای این بود که به سئوالاتی درباره خاکسپاری یک شهروند بهائی در قبرستان مشهد پاسخ دهد.

آقای جمال الدین خانجانی - در تاریخ ۱۴ می ۲۰۰۸ (۲ اردیبهشت ۱۳۱۲) در منزل خود دستگیر شد

آقای جمال الدین خانجانی، ۷۵ ساله، کارخانه دار مشهوری بود که بعد از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ تجارت خود را بخاطر اعتقاد به آئین بهائی از دست داد و در بسیاری از سالهای دهه ۱۹۸۰ (دهه ۱۳۶۰) با تهدید به مرگ تحت تعقیب مأمورین دولت بود.

ایشان در تاریخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۳۳ (۵ مرداد ۱۳۲۱) در شهر سنگسر بدنیا آمد و در مزرعه ای در سمنان بزرگ شد. به این ترتیب نتوانست بیش از حد دیپلم به تحصیلات خود ادامه دهد. در عین حال، شخصیت پُرتوان او موفقیتش را در تولیدات صنعتی تضمین نمود و بعنوان یک بهائی لایق شهرت یافت.

ایشان مدتی کارمند شرکت پپسی کولا در ایران بود که ریاست قسمت سفارشات را بعهده داشت و بعد از آن شرکتی برای تولید زغال تأسیس نمود. ایشان سپس به تأسیس کارخانه آجرسازی پرداخت که اولین کارخانه ای در نوع خود بود که مراحل تولیدی را بصورت خودکار درآورد. این کارخانه موفق شد صدها نفر را استخدام نماید.

در اوائل دهه ۱۹۸۰ (دهه ۱۳۶۰)، بعلت اعتقاد به آئین بهائی آقای خانجانی را مجبور کردند که آن کارخانه را تعطیل و ترک کند که باعث بیکاری اکثر کارمندان شد. در نهایت، دولت آن کارخانه را مصادره نمود.

خدمات داوطلبانه آقای خانجانی به جامعه بهائی در ابعاد مختلفی جلوه گر شد. از جمله خدمات ایشان عبارت است از عضویت در محفل روحانی محلی اصفهان، عضویت هیئت معاونت در حد ناحیه ای، و عضویت در سومین محفل روحانی ملی ایران در اوائل دهه ۱۹۸۰ (دهه ۱۳۶۰). چهار عضو از اعضای ۹ نفر این محفل در تاریخ ۱۹۸۴ (۱۳۶۳) بعلت باورهای خود به دین بهائی اعدام شدند.

پس از این واقعه، آقای خانجانی در زمینی که متعلق به خانواده او بود مزرعه ای با تجهیزات ماشینی تأسیس کرد، ولی مسئولین دولتی محدودیتهای متعددی برای ایشان ایجاد کردند بطوریکه امرار معاش را دشوار مینمود. این محدودیتهای به اولادان و بستگان ایشان هم تعمیم داده شد چنانکه از پرداخت وام به ایشان امتناع ورزیدند، کار و کسب را بر آنان ممنوع کردند، داد و ستد تجاری را مسدود نمودند، و سفر به خارج از ایران را قدغن کردند.

جناب خانجانی در اواسط دهه ۱۹۵۰ (دهه ۱۳۳۰) با خانم اشرف سبحانی ازدواج کرد و صاحب چهار فرزند شد. فریدا خانجانی، ۵۱ ساله، درچین به شغل کاپروپراکتیک مشغول است. ماریا خانجانی، حدوداً ۴۹ ساله، هنرمندی است که با شوهر و دو فرزندش در تهران زندگی میکند. آقای علاءالدین خانجانی، حدوداً ۴۸ ساله، عینک ساز و با همسر و دو فرزندش مقیم تهران است. و خانم امیلیا خانجانی، حدوداً ۴۵ ساله،

با همسر و دو فرزندش در تهران سکونت دارد.

قبل از دستگیری کنونی ایشان، آقای خانجانی حداقل سه بار دستگیر و زندانی شده بود. بعد از اینکه ایشان سالها متواری بود، در اواخر دهه ۱۹۸۰ (۱۳۶۰)، دستگیر و به مدت دو ماه زندانی شد. در این مدت بشدت مورد بازجویی قرار گرفت ولی در طی آن توانست راه را برای متقاعد کردن مسئولان امور باز کند که از ویژگی صلح آمیز آئین بهائی آگاهی یابند. در نتیجه این اقدام، ایشان و بسیاری دیگر از زندانیان بهائی آزاد شدند.

آقای سعید رضایی - در تاریخ ۱۴ می ۲۰۰۸ (۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۷) در منزل خود دستگیر شد

آقای سعید رضایی، ۵۱ ساله، مهندس کشاورزی است که بیش از ۲۰ سال با موفقیت مدیریت یک شرکت ماشین آلات کشاورزی را در استان فارس بعهده دارد. ایشان در حوزه مطالعات بهائی از علم و دانش شناخته شده و فراگیری برخوردار است و چند کتاب نوشته است.

آقای رضائی در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۵۷ (۵ مهر ۱۳۳۶)، در آبادان متولد شد و دوران کودکی خود را در شیراز سپری کرد و در آنجا دبیرستان را با امتیاز به اتمام رساند. سپس از طریق بورسی که از خارج کشور تأمین میشد در رشته مهندسی کشاورزی از دانشگاه شیراز فارغ التحصیل شد.

در سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰)، با خانم شهین روحانیان ازدواج کرد و صاحب دو دختر و یک پسر گردید. مارثا، ۲۴ ساله، مشغول تحصیل در رشته علوم کتابداری است. مأمّن، ۲۱ ساله، در رشته معماری تحصیل میکند. پیوند، ۱۲ ساله، سال دوم راهنمایی را سپری میکند.

آقای رضائی از دوران جوانی بطور فعالانه ای به جامعه بهائی خدمت کرده است. سالها معلم کلاس کودکان بوده و در دوره های «آموزش بهائی» و «روش زندگی بهائی» به خدمات شایانی نائل شد. وی همچنین عضوی از اعضای مؤسس ملی آموزش بهائی بود.

او یکی از دانشمندان بهائی و از نویسندگان بهائی است و به سمت مشاور دانشگاهی به خدمت دانشجویان بهائی مشغول بوده است.

در اوائل دهه ۱۹۸۰ (دهه ۱۳۶۰)، هنگامیکه اذیت و آزار بهائیان دامنه وسیع و شدیدی پیدا کرده بود، آقای رضائی به شمال ایران نقل

مکان کرد و برای مدتی بعنوان مدیر کشاورزی مشغول به کار شد. او سپس به کرمان رفت و به شغل نجاری و کارهای متفرقه دیگری پرداخت که یکی از دلایل آن مشکلاتی بود که شهروندان بهائی برای امرار معاش با آن مواجه گردیدند چون از حق اشتغال در بخش دولتی و خصوصی محروم شده بودند.

آقای رضائی در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴)، با یکی از دوستان بهائی خود در استان فارس شرکتی مربوط به ماشین آلات کشاورزی تأسیس نمود. این شرکت با موفقیت شایانی روبرو شد و مورد احترام کشاورزان منطقه قرار گرفت.

او بخاطر اعتقاد به آئین بهائی با اذیت و آزار گوناگونی مواجه شد از جمله اینکه در سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۵) دستگیر و زندانی شد و مدت ۴۰ روز را در سلول انفرانی گذراند.

دو دختر ایشان در میان ۵۴ نفر جوان بهائی بودند که در ماه می ۲۰۰۶ در شیراز، درحالیکه در طرحی که برای کمک به کودکان بی بضاعت شرکت کرده بودند، دستگیر شدند. هرچند آنها بعداً آزاد شدند، ولی سه نفر از همکارانشان با اتهام به جرم های بی اساسی به چهار سال زندان محکوم شدند و هم اکنون دوری حبس خود را در شیراز سپری میکنند.

خانم فریبا کمال آبادی - در تاریخ ۱۴ می ۲۰۰۸ (۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۷) در منزل خود دستگیر شد

خانم فریبا کمال آبادی، ۴۶ ساله، روانشناس رشد و مادر سه فرزند است. او در ایام جوانی، بخاطر این که بهائی است از ورود به دانشگاه دولتی محروم شد. از آنجا که ایشان خدمات داوطلبانه ای به جامعه بهائی کرده بود دوبار در سالهای اخیر دستگیر شد و یکبار برای یک ماه و بار دیگر برای دو ماه بازداشت بود تا اینکه در ماه اردیبهشت دوباره دستگیر و زندانی شد.

خانم کمال آبادی در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۶۲ (۲۱ شهریور ۱۳۴۱) در تهران متولد شد. از آنجا که دانش آموزی فوق العاده بود از دبیرستان با رتبه عالی فارغ التحصیل شد ولی از ورود به دانشگاه محرم ماند. بعد از سن سی سالگی، طی هشت سال، مطالعات عالی خود را در رشته روانشناسی رشد در مؤسسه علمی آزاد به پایان رساند. بهائیان ایران این مؤسسه را بعنوان راه چاره ای برای ادامه تحصیلات عالی دانشجویان جوان بهائی تأسیس کردند.

خانم کمال آبادی در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) با آقای روح الله طائفی ازدواج کرد. آنها دارای سه فرزند هستند. ورقا طائفی، حدوداً ۲۴ ساله، درجه دکترا را در علوم سیاسی و روابط بین الملل از انگلستان دریافت کرد و الان دور تحقیقاتی خود را در چین میگذراند. الحان طائفی، ۲۳ ساله، در مؤسس عالی معارف بهائی رشت روانشناسی تحصیل کرد. ترانه طائفی، ۱۴ ساله، در تهران مشغول تحصیل در دبیرستان است.

اذیت و آزار خانم کمال آبادی بعلت اعتقاد وی به آئین بهائی مدتی است که ادامه دارد. پدر ایشان در خدمات درمانی دولتی به طبابت مشغول بود و در دهه ۱۹۸۰ (۱۳۶۰) بعلت اعتقاد به آئین بهائی از کار برکنار شد و بعد از آن زندانی گردید و در زندان مورد شکنجه قرار گرفت.

آقای عقیف نعیمی - در تاریخ ۱۴ می ۲۰۰۸ (۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۷) در منزل خود دستگیر شد

آقای عقیف نعیمی، ۴۷ ساله، صنعتگری است که نتوانست رؤیای خود را، که تحصیل در رشته طب و طبابت بود، برآورده کند بعلت اینکه از حق تحصیل در دانشگاه محروم شده بود. او به تجارت روی آورد که یکی از تنها گزینه هائی است که بهائیان میتوانند از آن طریق امرار معاش نمایند. او شغل پدر همسرش را که اداره کارخانه پتو سازی و نساجی بود بعهده گرفت.

آقای نعیمی در تاریخ ۶ سپتامبر ۱۹۶۱ (۱۵ شهریور ۱۳۴۰) در یزد متولد شد. هنگامیکه بیش از سه سال نداشت پدرش از دنیا رفت و او مدتی در منزل عمویش پرورش یافت. هنوز دوران دبستانی را میگذراند که او را به اردن فرستادند تا با بستگان خود در آن کشور زندگی کند. هرچند که اصلاً عربی نمی دانست، بزودی در کلاس خود رتبه اول را احراز کرد.

خدمات داوطلبانه و فعالان ایشان به جامعه بهائی از دیروقت ادامه داشته است. او در سیمت معلم کلاسهای کودکان، معلم کلاسهای بزرگسالان، استاد در مؤسس علمی آزاد، و یکی از اعضای هیئت معاونت (هیئتی که اصولاً برای الهام بخشیدن و تشویق و ترویج آموزش و یادگیری انتصاب میشوند) خدمت نموده است.

ایشان در اوائل سالهای ۱۹۸۰ (۱۳۶۰) با خانم شهره خلخی ازدواج کرد و دارای دو پسر شد. فرید نعیمی، ۲۷ ساله، متأهل و فارغ التحصیل

مؤسسۀ عالی معارف امر است. سینا نعیمی، ۲۲ ساله، در رشتهٔ موزیک تحصیل نموده است.

وضع بهروز جاوید تهرانی، زندانی سیاسی، «بحرانی» است

جمعه ۱۴ خرداد ۱۳۸۹ - ۴ ژوئن ۲۰۱۰



خبرنامه امیرکبیر، پایگاه خبری دانشجویان دانشگاه امیرکبیر، می‌گوید بهروز جاوید تهرانی، زندانی سیاسی که در زندان رجایی‌شهر کرج به سر می‌برد، پس از شانزده روز اعتصاب غذا در وضعیتی بحرانی است.

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، ضمن ابراز نگرانی شدید از وضعیت جسمی آقای جاوید تهرانی که نزدیک به چهار سال در زندان رجایی‌شهر محبوس بوده و هم‌اکنون در سلول انفرادی به سر می‌برد، از مسئولین این زندان تضمین سلامت جانی او را خواستار شده است.

کیوان رفیعی، از اعضای سازمان غیردولتی مجموعه فعالان حقوق بشر، در گفت‌وگو با رادیوفردا با اشاره به این که آقای جاوید تهرانی در اعتراض به ضرب و شتم خود در سلول انفرادی زندان رجایی‌شهر دست به اعتصاب غذا زده، وضعیت این زندانی سیاسی را «بسیار نگران‌کننده» توصیف می‌کند.

مجموعه فعالان حقوق بشر ایران می‌گوید که «بهروز جاوید تهرانی در پی فشار مسئولین زندان رجایی‌شهر برای انتقال به بخشی دیگر از این زندان مورد ضرب و شتم قرار گرفته و سپس دست به اعتصاب زده است.»

به گفته آقای رفیعی، بهروز جاوید تهرانی چندین سال است به دلیل حبس «از لحاظ تغذیه و شرایط روحی وضعیت نرمالی ندارد و در سال ۱۳۸۴ هم در زندان اوین دچار مشکل بینایی و مشکلات مغزی شد.»

بهروز جاوید تهرانی در سال ۱۳۷۸ برای اولین بار بازداشت و به هشت سال حبس محکوم شد. او پس از چهار سال تحمل حبس با آزادی مشروط از زندان بیرون آمد.

بهروز جاوید تهرانی چندین سال است به دلیل حبس «از لحاظ تغذیه و شرایط روحی وضعیت نرمالی ندارد و در سال ۸۴ هم در زندان اوین دچار مشکل بینایی و مغزی شد».

به گفته کیوان رفیعی، آقای جاوید تهرانی بار دیگر در ۲ خردادماه سال ۱۳۸۴ به علت فعالیت برای تحریم انتخابات [ریاست جمهوری که به پیروزی محمود احمدی‌نژاد انجامید] بازداشت شد و برای سه پرونده به هفت سال حبس محکوم شد.

آقای رفیعی می‌گوید بهروز جاوید تهرانی به سه جرم مجازات هفت سال حبس را دریافت کرده است: «عضویت در جبهه دموکراتیک ایران، ارتباط با یک حزب اپوزیسیون و تبلیغ علیه نظام و توهین به رهبری.»

خبرنامه امیرکبیر از قول مجموعه فعالان حقوق بشر ایران می‌نویسد که امیرحسین حشمت ساران نیز «بر اثر اهمال مسئولین همین زندان [رجایی‌شهر] جان خود را از دست داد.

امیرحسین حشمت ساران، زندانی سیاسی و دبیرکل جبهه اتحادیه ملی ایران، در اسفندماه سال گذشته پس از چهار سال حبس در زندان رجایی‌شهر، به گفته وکیلش، «در اثر کوتاهی مقامات زندان» درگذشت.

در اوین و گوهردشت چه می‌گذرد؟

یکشنبه ۹ خرداد ۱۳۸۹ - ۳۰ می ۲۰۱۰

منبع: دویچه وله

خبرهای رسیده از زندان گوهردشت کرج، بیانگر تشدید خشونت، آزار و فشار بر زندانیان سیاسی و عادی هستند. زندانیان سیاسی اوین، شاهد پاره‌ای صحنه‌سازی‌ها بوده‌اند. دستگیری‌فعالان مدنی و سیاسی در شهرستان‌ها نیز افزایش یافته است.

رسول بداغی، فعال سیاسی و عضو کانون صنفی معلمان که در بند ۶ زندان رجایی شهر به سر می‌برد، توسط دو تن از زندانبانان مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفته است. به نقل از ادوار نیوز، سه مامور زندان، رسول بداغی را در روز شنبه هشتم خرداد در برابر سایر زندانیان، به میله‌ای بسته و کتک زده‌اند. بهانه ماموران برای این رفتار، اعتراض آقای بداغی به شرایط زندان بوده است. ادوار نیوز خبر داده که زندانیان معترض به این رفتار نیز مورد فحاشی و تهدید قرار گرفته‌اند.

منصور اسانلو

فعال کارگری و رییس سندیکای کارگران شرکت واحد، از روز ششم خرداد به بند معتادان و بیماران عفونی زندان گوهر دشت منتقل شده است. به گفته فعالان حقوق بشر در ایران، مسئولان حفاظت زندان گوهر دشت، یک زندانی قاتل را تحریک کرده‌اند تا از اسانلو شکایت کند. این پرونده‌سازی موجب شده تا منصور اسانلو به بند "متادون" منتقل شود. این در حالی است که وی به دلیل حساسیت و مشکلات تنفسی، قادر به همزیستی با زندانیان سیگاری هم نیست. اسانلو سومین سال زندان خود را سپری می‌کند.

انتشار فیلم شکنجه و تجاوز در زندان گوهر دشت، منجر به انتقال ۲۰ نفر از زندانیان عادی به حفاظت زندان و انتقال یکی از قربانیان این تجاوز به سلول انفرادی شده است. این فیلم که تجاوز با باتوم به دو زندانی را مستند کرده است، به شکلی وسیع در شبکه اینترنت پخش شده و افکار عمومی را برانگیخته است. فعالان حقوق بشر گزارش داده‌اند که وزارت اطلاعات به‌جای پیگیری واقعیات موجود در این فیلم، با اعزام دو مامور به گوهر دشت، در صدد شناسایی و مجازات تهیه کنندگان این فیلم برآمده است.

صحنه‌سازی در زندان اوین

هنگامه شهیدی، روزنامه‌نگار و عضو حزب اعتماد ملی، روز شنبه هشتم خرداد مورد تعرض فردی معتاد و بزه‌کار در بند زنان قرار گرفته است. به گزارش سایت "کلمه"، این فرد که علایم چاقو روی دست خود داشته، چند مرتبه خود را در تماس بدنی با هنگامه شهیدی قرار داده و پس از مشاهده اعتراض، هنگامه شهیدی را به شدت کتک زده و به جمع متادونی‌ها پرتاب کرده است.

زندان‌یان سیاسی زن در هفته گذشته شاهد صحنه‌سازی دیگری نیز بودند. شش زندانی سیاسی زن در ساعت یک نیمه شب سوم خرداد از بند عمومی به بند ۲۰۹ احضار شدند. شباهت این احضار با روزهای پیش از

اعدام شیرین علم‌هولی، تشویش و نگرانی شدید زندانیان بند دو نسوان را موجب شد. پس از بازگشت این زندانیان به بند، مشخص شد که آنها را برای بازجویی فراخوانده بودند. این در حالی است که طبق قانون، بازجویی در شب و پس از ساعات اداری، ممنوع است.

انتقال‌ها و فراخوان‌ها

مجید توکلی

پس از شکستن اعتصاب غذای خود، روز هشتم خرداد به بند عمومی اوین بازگشت. وی پس از انتشار نوشته‌ای در محکومیت اعدام‌های اخیر، دوباره به سلول انفرادی فرستاده شده بود. او در اعتراض به انفرادی، اعتصاب غذای خشک کرد و در روز سوم، به بهداری منتقل شد. اعتصاب غذای مجید توکلی، بازتاب وسیعی در افکار عمومی داخل و خارج از ایران داشت و او پس از بازگشت به بند عمومی، طی نامه‌ای از ابراز همبستگی مردم با خودش سپاسگزاری کرده است. در این میان، اعتصاب غذای کوهیار گودرزی و حسین رونقی دو دانشجو و وبلاگ نویس زندانی دیگر همچنان ادامه دارد. این دو در اعتراض به شرایط زندان و رفتار نامناسب با خود دست به اعتصاب زده‌اند. مادر حسین رونقی پس از اعتصاب غذا و تحصن در برابر زندان اوین، موفق به دیدار حضوری با پسرش شده است.

پس از بازگشت محسن میردامادی به زندان اوین، مرخصی بهمن احمدی امویی نیز به پایان رسید. احضار مجدد دبیرکل جبهه مشارکت به اوین پس از جشن ازدواج پسر وی و حضور چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب در این مراسم صورت گرفت. بهمن احمدی نیز روز شنبه هشتم خرداد به زندان اوین فراخوانده شد. او که از ۲۹ اسفند سال ۸۸ در مرخصی به‌سر می‌برد، یادداشتی در وبلاگ خود منتشر کرده و نوشته که در طول مرخصی، از ادامه حبس سائیرین و آزاد بودن خویش، شرمنده بوده است.

حکم قطعی محسن امین‌زاده، عضو جبهه مشارکت ایران اسلامی نیز روز نهم خرداد ماه به وی ابلاغ شد. حکم اولیه شش سال حبس تعزیری برای آقای امین‌زاده، در دادگاه تجدید نظر به ۵ سال حبس قطعی تغییر یافت.

زندانیان شهرستانی

عباس بادفر، زندانی سیاسی بلوچ که در آذر سال ۸۸ در بلوچستان دستگیر شده، پس از ماه‌ها نگاهداری در سلول انفرادی در اوین، به بند ۶ زندان گوهر دشت منتقل شد. عباس بادفر از جمله زندانیان گمنام است که بدون وکیل، به اتهام محاربه و ارتباط با سازمان

مجاهدین به ده سال زندان محکوم شده است. به گفته فعالان حقوق بشر، وی بارها تهدید به اعدام شده و در پی شکنجه و آزار شدید، از عوارض جسمی و روحی بسیار رنج می‌برد.

بهرام چگینی، دانشجوی دانشگاه علم و صنعت اراک و از فعالان ستاد مهندس موسوی در این شهر دستگیر شد. این دومین بازداشت در روزهای اخیر در اراک است. پیش از این، آرش صابونچی یکی دیگر از فعالان مدنی اراک، توسط ماموران امنیتی بازداشت شده بود. مختار هوشمند، فعال فرهنگی و مسئول انجمن هنرهای تجسمی مریوان و علیرضا عبداللهی فعال مدنی در ارومیه از دیگر دستگیر شدگان در روزهای اخیر هستند.

با دستگیری **محمد علی شیرازی و محمد علی شاهی**، اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان در یزد، شمار معلمان زندانی به ده نفر رسید. این بازداشت پس از احضار آنان توسط پلیس امنیت و تجسس و ضبط وسایل شخصی آنها صورت گرفت.

اکبر آزاد، نویسنده آذربایجانی و عضو هیات تحریریه ماهنامه‌های وارلیق و پارپاق هم از روز سه‌شنبه چهارم خرداد در بازداشت به سر می‌برد. ماموران امنیتی پس از تفتیش منزل این نویسنده، کامپیوتر، کتابها و سایر وسایل شخصی وی را با خود برده‌اند.